

بررسی گونه‌ها، شگردها و درونمایه‌های طنز در آثار سید حسن حسینی (نوشداروی طرح ژنریک، براده‌ها و فستیوال خنجر)

نجمه حیدری‌نسب

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

علیرضا فولادی^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۸/۳

چکیده

سید حسن حسینی از سرشناس‌ترین شاعران و نویسندگان متعهد انقلاب اسلامی، در سه اثر خود به طنز روی آورده‌است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی گونه‌ها، شگردها و درونمایه‌های طنز در سه کتاب حسینی به نام‌های *براده‌ها*، *نوشداروی طرح ژنریک* و *فستیوال خنجر* اختصاص یافته‌است. حسینی در این سه اثر، هم از گزین‌گویی، هم از قالب‌های شعر کلاسیک و هم از شعر نیمایی و سپید استفاده کرده‌است. همچنین، با نظر به طبقه‌بندی ما از شگردهای طنزپردازی در سه دسته کلی «نمایشی»، «روایی» و «شعری»، طنزهای این سه کتاب بیشتر طنزهای نمایشی با استفاده از شگردهای اغراق و تهکم، به‌ویژه طنزهای شعری با استفاده از شگردهای تشبیه و استعاره است. به‌علاوه، پربسامدترین درونمایه طنزهای حسینی را انتقاد فرهنگی در زمینه هنر و نیز انتقاد اجتماعی در زمینه اقتصاد تشکیل داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات معاصر، طنز فارسی، سید حسن حسینی، *براده‌ها*، *نوشداروی طرح ژنریک*، *فستیوال خنجر*.

۱. مقدمه

شاخص‌ترین ویژگی طنز، استفاده از سلاح خنده به منظور نشان دادن معایب انسان و جامعه است. طنزپرداز با کاربرد این حربه در یک حاشیه امن، از رفتارهای نامطلوب انسان‌ها انتقاد می‌کند و زشتی‌های جامعه را برجسته‌تر نشان می‌دهد (ر.ک؛ زارع، ۱۳۹۰: ۱۸). او باید زیرکانه خواننده را با مهارت هنری خود به دنبال خویش بکشد. هدف وی آن است که خوانندگان را وادارد تا از چیزی انتقاد کنند و این کار را با ایجاد عواطف مختلف در آن‌ها دنبال می‌کند؛ از خنده گرفته تا استهزا، اکراه، خشم و نفرت (ر.ک؛ پلارد، ۱۳۷۸: ۹۶-۹۷).

موضوعات طنز عموماً موضوعات اصلاح‌پذیر انسانی است، نه موضوعات مربوط به محدودیت‌های گریزناپذیر بشری. البته این بدان معنا نیست که طنزنویس این موضوعات را وارد طنز خود نمی‌کند، بلکه به ماهیت این موضوعات کار ندارد و تنها نگرش جامعه برای وی اهمیت دارد. به گفته جوونال: «هر چیزی بالقوه سنگریزه آسیاب طنزپرداز است» (همان: ۳۰) و ما می‌افزاییم: «به شرطی که با امور اجتماعی ربط داشته باشد». به طور کلی، موضوع طنز شامل علل و مظاهر واپس‌ماندگی، معایب، مفاسد و ناروایی‌های دردناک جامعه است که طنزپرداز به قصد اصلاح با چاشنی خنده به صورت برجسته و اغراق‌آمیز و نیز توأم با اشاراتی به وضع مأمول زندگی بیان می‌کند (ر.ک؛ زارع، ۱۳۹۰: ۱۹).

طنز یکی از گونه‌های مهم و مؤثر ادبیات غنایی به شمار می‌رود و از دلنشین‌ترین شاخه‌های این نوع ادبی است، چون با خنده‌ای تلخ و دردآور که از خیرخواهی آفریننده آن سرچشمه می‌گیرد، بیدارکننده و آگاهی‌بخش انسان‌هاست. طنز با شگردهای هنری خاص خود در خدمت انتقاد از ناروایی‌های اجتماع و اصلاح معایب و مفاسد جامعه قرار می‌گیرد و هنگامی می‌تواند به هدف خویش برسد که از روحی بلند و متعالی تراوش کند؛ روحی واقع‌بین و حساس که از مشاهده پستی‌ها و رذالت‌ها در رنج و عذاب است و برای رسیدن به یک زندگی متعالی و دوست‌داشتنی لحظه‌شماری می‌کند (ر.ک؛ حسینی، ۱۳۹۳: ۱).

پیش از این، در زبان فارسی، طنزپردازان شایسته‌ای مانند عبید زاکانی داشتیم، اما رستاخیز طنز فارسی مربوط به دوران مشروطه است. در این دوران، طنز از نظر ساختار و محتوا دگرگون می‌شود، ولی آنچه بیشتر اهمیت دارد، دگرگونی مخاطبان است. در این دوران، برای اولین بار در تاریخ ادبیات فارسی، مردم کوچه و بازار مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار می‌گیرند. همچنین طنزنویسان چنین دوره‌ای، تلاش می‌کنند با طرح

مسائل سیاسی و اجتماعی در قالب طنز، مردم را آگاه سازند. این روند تا پیروزی انقلاب اسلامی با فراز و نشیب‌هایی ادامه می‌یابد. پس از تثبیت انقلاب اسلامی، در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲، سمت و سوی طنزها به جانب فکاهیات و نیز هجو ضد انقلاب‌ها و دشمنان خارجی سوق یافت و روحیه تعهد و ایثار در میان طنزنویسان نشریات دولتی و غیردولتی رواج پذیرفت (ر.ک: زارع، ۱۳۹۰: ۶). با انتشار طنزهای کیومرث صابری فومنی در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۶۳، دور جدیدی از طنزپردازی آغاز شد که با انتشار نشریه طنز *گل آقا قوت* گرفت. در این دوره، طنز در ادبیات فارسی، جریان اصلی خود را در این روزنامه و چند نشریه دیگر دنبال می‌کرد (ر.ک: شهسواری، ۱۳۸۹: ۴).

تقریباً همزمان با فعالیت طنزی کیومرث صابری فومنی، طنزپردازان دیگری نیز ظهور کردند و در شعر و نثر آثار ماندگاری از خویش بر جای گذاشتند. یکی از این افراد، سید حسن حسینی است. حسینی، شاعری انقلابی بود و بیشتر مجموعه‌های شعری او متأثر از جنگ تحمیلی و فرهنگ عاشورایی است. او افزون بر آثار جدی، سه اثر با نام‌های *برده‌ها*، *نوشداروی طرح ژنریک* و *فستیوال خنجر* با مایه‌های طنز فاخر دارد که در آن‌ها از زبان طنز برای بیان ناروایی‌های جامعه بهره برده‌است. آنچه بیش از هر چیز وجود سید حسن حسینی را در میان طنزپردازان ایران ضروری می‌کند، جهت‌داری طنزهای اوست. طنزهای *برده‌ها* و *نوشداروی طرح ژنریک*، طنزهایی هستند مربوط به انقلاب، یعنی مهم‌ترین اتفاق زمانه ما (ر.ک: نبوی، ۱۳۷۹: ۱۲۸ و هنرجو، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹) و *فستیوال خنجر* هم همین نقش را در فضایی گسترده‌تر بر عهده دارد.

۲. مسئله پژوهش

در مقاله حاضر، به واکاوی گونه‌ها، شگردها و درونمایه‌های طنز سید حسن حسینی می‌پردازیم. با این وصف، مسئله اصلی این مقاله، چیستی این گونه‌ها، شگردها و درونمایه‌هاست.

۳. پیشینه پژوهش

درباره سید حسن حسینی و آثار او مقالات متعددی نوشته شده‌است، اما بیشتر این مقالات حول محور تأثیر انقلاب اسلامی بر زبان شعر وی می‌چرخند. مقاله «تحلیل اشعار سید حسن حسینی از منظر صور خیال» نوشته احمد کریمی و کلثوم وقاری (۱۳۹۰)، به بررسی صور خیالی چون تشبیه، استعاره، کنایه، پارادوکس در مجموعه‌های شعر شاعر پرداخته‌است. محسن ذوالفقاری و دیگران (۱۳۹۴)، ضمن مقاله «فضاسازی واژگانی در

شعر انقلاب با تأکید بر شعر سید حسن حسینی» تأثیر انقلاب اسلامی، به‌ویژه جنگ تحمیلی را بر فضای شعر سید حسن حسینی مطالعه کرده‌اند. با این همه، تاکنون مقاله یا کتاب مستقلی، راجع به طنز در آثار سید حسن حسینی، به‌ویژه طنز در سه کتاب *برآمدها*، *نوشداروی طرح ژنریک* و *فستیوال خنجر* وجود ندارد و پژوهش حاضر، اولین پژوهش در این زمینه است.

۴. روش پژوهش

روش این پژوهش، تحلیلی - توصیفی خواهد بود. نخست به معرفی سید حسن حسینی و سه اثر طنز او پرداخته می‌شود و آنگاه در گونه‌ها، شگردها و درونمایه‌های طنز وی ضمن این سه اثر با نظمی مناسب واکاوی می‌شود.

۵. درباره سید حسن حسینی

سید حسن حسینی متولد ۱۳۳۵ در محله سلسبیل تهران، بزرگ‌شده نازی‌آباد و نیروهوایی، با تحصیلات ناهمگون؛ دیپلم طبیعی داشت. سپس لیسانس تغذیه گرفت، اما به حوزه ادبیات فارسی وارد شد و فوق لیسانس و دکتری خود را در ادبیات فارسی اخذ کرد. از سال‌های ۱۳۵۲ به بعد بود که شعر و نوشتن را آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ حوزه هنر و اندیشه اسلامی را با جمعی از دوستانش پایه‌گذاری کرد. با شروع جنگ تحمیلی، رادیو ارتش را به او سپردند. مسائل تبلیغی جنگ و آشنایی او با محیط جبهه‌ها بر شعر او تأثیر فراوان گذاشت. سال ۱۳۶۳ در حالی که انقلاب در عرصه فرهنگی و ادبی بیش از هر موقع دیگر نیاز به حمایت داشت، «هم‌صدا با حلق اسماعیل» را که جزء اولین کتاب‌های منتشرشده ادبیات انقلاب اسلامی است، تقدیم «دیده‌بانی که روی خدا را دید: شهید جمشید بروجردیان» کرد. سال ۱۳۶۴ «حمام روح» را که ترجمه گزیده آثار جبران خلیل جبران است، تقدیم به «روح پاک شهدای بسیجی میهنم - گل‌هایی که در راه دفاع از نونهال این باغ سربلند پرپر شدند» کرد. سال ۱۳۶۵ *برآمدها* و سال ۱۳۶۷ «بیدل، سپهری و سبک هندی» را نوشت. سال ۱۳۷۰ کتابی نوشت که وصیت کرد آن را هنگام تدفین در کفنش بگذارند. او «گنجشک و جبرئیل» را توشه آخرت خود می‌دانست. این کتاب تحولی در عرصه ادبیات انقلاب اسلامی بود. سی شعر سپید ادبیات فارسی را به عرصه عاشورایی کشاند و این از جسارت‌های سید بود. او با نوشتن «مشت در نمای درشت» در سال ۱۳۷۹ به دغدغه‌های خود در عرصه سینما پرداخت و در سال ۱۳۸۰ با «نگاهی به خویشتن»، به گفتگو با نویسندگان ادبی مطرح عرب پرداخت. سال ۱۳۸۱ در

زمانی که به مرور ادبیات دفاع مقدس و شعر انقلاب خاک می‌گرفت، «گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس» او تقدیمی بی‌تعارف به شاعران داعیه‌دار شعر دفاع مقدس بود. این کتاب اولین تلاش برای معرفی شعر جنگ و دفاع مقدس است. او سال‌های آخر عمرش را به سبک‌شناسی قرآن و زبان‌شناسی حافظ مشغول بود و در ۹ فروردین ۱۳۸۳ بر اثر سکته قلبی درگذشت. با رفتن سید حسن، شعر او پایان نیافت. نوشته‌های عاشورایی او در طلسم جنگ و نوشداروی طرح ژنریک، مجموعه نوشته‌های او در کیهان فرهنگی، شقایق‌نامه، متن‌های او در رادیو تهران، بعد از مرگ او منتشر شد. قیصر امین‌پور، نام یار دیرین خود را با جمع‌آوری شعرهای سید حسن در ملکوت سکوت زنده کرد. به همت قیصر، ارادت سید حسن به مادرش، فاطمه زهرا^(س) در *از شرابه‌های روسری مادرم* زنده شد. آخرین کتابی که قیصر درباره سید حسن گرد آورد، *سفرنامه گردباد* بود که ترانه‌ها، غزل‌ها، رباعی‌ها و دوبیتی‌های او را شامل می‌شد (ر.ک: هنرجو، ۱۳۹۲: ۹-۱۱).

آنچه خواندیم، گزیده زندگی و فعالیت ادبی سید حسن حسینی از یک منبع موثق بود. در ادامه، به معرفی اجمالی سه اثر طنز این شاعر و نویسنده متعهد می‌پردازیم.

۶. براده‌ها

براده‌ها عنوان مجموعه‌ای است از گزین‌گویی‌ها یا کلمات قصار، درباره فرهنگ و اجتماع انقلابی که از بار کاریکلماتوری بی‌بهره نیست. تفاوت این کتاب با موارد مشابه فارسی که به وسیله پرویز شاپور یا جواد مجابی عرضه شده، در طرفداری آن از دیدگاهی خاص، متفاوت با موارد مشابه و نیز حکیمانه بودن آن است و به نظر می‌رسد که علاقه حسینی به جبران خلیل جبران در این زمینه بی‌تأثیر نبوده‌است (ر.ک: فولادی، ۱۳۹۵: ۲۶۵). او این کتاب را در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد؛ اثری که می‌تواند مانیفست و بیانیه ادبی سید حسن حسینی تلقی شود و آرای وی را در زمینه هنر، شعر و جامعه متعهد به نمایش بگذارد (ر.ک: نبوی، ۱۳۷۹: ۱۲۸؛ هنرجو، ۱۳۹۲: ۶۸).

۷. نوشداروی طرح ژنریک

شعرهای کتاب *نوشداروی طرح ژنریک*، ابتدا در سال ۱۳۷۶ در مجله *کیهان فرهنگی* چاپ شده بود و آنگاه در سال ۱۳۸۳، یعنی سیزده سال پس از مجموعه شعر قبلی او – *گنجشک و جبرئیل* – منتشر شد. سعید یوسف‌نیا مقدمه‌ای بر چاپ اول کتاب نوشت. حسینی این کتاب را به سهراب سپهری، شاعری که شاید از نظر دیدگاه‌های عرفانی و فلسفی، علقه‌های مشترکی با او داشت، تقدیم کرد. طنزی که در این شعرهای نیمایی

کوتاه وجود دارد، از طنز دفترهای شعری قبلی او نمایان‌تر است. در این کتاب، او یک شاعر و یک منتقد شعر است. در این مجموعه شعر، طنز نقش محوری بازی می‌کند. او نقدهای خود را بر جریان‌های شعری زمان خویش، با زبان طنز و در قالب شعرهای کوتاه یا نسبتاً کوتاه وارد کرده‌است و به بدی‌ها، کژتابی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و تیپ‌های سیاسی، ادبی و اقتصادی کشور با کمترین کلمات و با زبان طنزآمیز حمله می‌کند و لبخندی تلخ را بر لب‌های خوانندگان می‌نشانند (ر.ک؛ هنرجو، ۱۳۹۲: ۳۵ - ۳۹ - ۴۰).

۸. فستیوال خنجر

درباره مجموعه شعر فستیوال خنجر، ضمن مقدمه آن می‌خوانیم:

«این سروده‌ها را خانواده سید حسن حسینی گرد آورده‌اند و اغلب آن‌ها پیش‌تر منتشر نشده‌است. این شعرها از میان دست‌نوشته‌های شاعر انتخاب شده‌است و نقطه اشتراک آن‌ها، نگاه و بیان طنزآمیز است. برخی از سروده‌ها شاید از حیث شیوایی سخن در پایه سروده‌های دیگر شاعر نباشد، اما برای رعایت امانت، به همان صورت که در دست‌نوشته‌ها آمده‌است، منتشر می‌شود. این مجموعه می‌تواند راهگشای شناخت اندیشه و نگاه سید حسن حسینی و نیز نوع تلقی او از طنزآوری باشد و ادامه منطقی طنزآوری‌های پیشین او در آثار منتشرشده‌اش تلقی می‌شود» (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۰).

۹. گونه‌های طنزپردازی حسینی

با بررسی نوشته‌ها و اشعار سه کتاب مورد مطالعه، این گونه‌های طنز از آن‌ها به دست آمد:

۱.۹. گزین‌گویه

منظور از گزین‌گویه، جملات حکمت‌آمیزی است که ضمن آن‌ها با کمترین کلمات، بیشترین معانی بیان می‌شود: «هنر بدون اخلاق، یعنی چهارپایه‌ای با سه پایه» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۳). این گزین‌گویه‌ها گاه در حد یک سطر و گاه در حد چند سطر هستند و چنان‌که اشاره کردیم، گاهی شبیه کاریکلماتور از کار درآمده‌اند: «شعر، فرزند شاعر است. هیچ فردی بچه دیگران را به فرزندی قبول نمی‌کند، مگر اینکه عقیم باشد!» (همان: ۴۴).

۲.۹. شعر نیمایی

حسینی در *نوشدا روی طرح ژنریک* می‌کوشد طرح تازه‌ای برای شعر نیمایی با مایه طنز بریزد. اشعار این کتاب به همان سبک و سیاق شعر نیمایی در دو تا پنج مصراع و گاه بیشتر سروده شده‌است و گاه قافیه نیز دارند:

«شاعری خرما را

با خدا قافیه کرد

تاجران رحم به حالش کردند

ناقدان شاعر سالش کردند» (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۰).

۳.۹. شعر کلاسیک

فستیوال خنجر در قالب‌های شعر کلاسیک و گاه سپید با مایه طنز سروده شده‌است و نمونه این قالب‌ها از نظر می‌گذرد:

۱.۳.۹. دوبیتی

«خداوندا، دلم کانون درده
بین کز ترس دانشجو و استاد
که با من دشمنه هر کس که مرده
کمر بنهد سببم زرد زرده!»
(حسینی، ۱۳۹۳: ۸۶)

۲.۳.۹. رباعی

«این حرکت آخر شما عالی بود
حجم دلتان چو چاه مبرز لبریز
زیبنده اوباشی و دلالی بود
زنبیل شما چو مغزتان خالی بود»
(حسینی، ۱۳۹۳: ۸۰)

۳-۳-۹. قطعه

«عشق یعنی لباس روح و روان
یار ما بی‌خیال خاطر ماست
عشق کوتاه بدترین رخت است
بی‌خیلان خیالشان تخت است
ساده می‌گیرد و نمی‌داند
یار ما گاه هست و گاهی نیست
دور از او، زندگی به ما سخت است
عاشق پاره‌وقت بدبخت است»
(حسینی، ۱۳۹۳: ۵۳)

۴.۳.۹. غزل

«گل بماند، خار را هم جیره‌بندی کرده‌اند
باغ ما کم‌خونی گل دارد و فقر نگاه
بیلان منقار را هم جیره‌بندی کرده‌اند!
نرگس بیمار را هم جیره‌بندی کرده‌اند!
خیل منصوران اناالحق زن به بازار سیاه!
آتش زرتشت بر انگشت یاران کرد پشت
دار لاکردار را هم جیره‌بندی کرده‌اند!
شعله سیگار را هم جیره‌بندی کرده‌اند!
مردم هشیار را هم جیره‌بندی کرده‌اند!
جوخه‌های جهل بیدارند و آگاهی به خواب
(حسینی، ۱۳۹۳: ۴۳)

۵.۳.۹. شعر سپید

«آن‌ها گاهی فکر کرده‌اند: خورشید شب‌ها به مدرسه نمی‌رود
و ستاره‌ها در روز غیبت کرده‌اند.
آن‌ها فکر می‌کنند: اگر پرده‌ها را بکشند
آفتاب تمام می‌شود.
وقتی نماز می‌خوانند
خیال می‌کنند جیششان پُر از خدا شده‌است
اگر از ته دل خبر بگیری،

انسان‌ها را اسباب‌بازی خدا می‌دانند

و عرش را

مهد کودک فرشته‌ها» (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۱۲).

۱۰. شگردهای طنزپردازی حسینی

طنزپردازان از شیوه‌های مختلفی برای خنده‌دار کردن متن استفاده کرده‌اند و با وجود کثرت انواع طنز، شیوه‌ها یا تکنیک‌هایی که در آن به کار گرفته می‌شوند، نسبتاً محدودند. حسن جوادی این روش‌ها را ذیل پنج دسته قرار می‌دهد:

۱- کوچک کردن، ۲- بزرگ کردن، ۳- تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته‌شده، ۴- ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایش‌نامه که خودبه‌خود طنزآمیز است و یا به‌اصطلاح نقد ادبی غربی، «موقعیت کنایی»^۱ و استفاده از کنایه، گوشه و طعنه^۲ است، ۵- به کار بردن عین کلمات کسی که مورد طنز قرار می‌گیرد و ایجاد چهارچوبی مضحک برای آن (ر.ک: جوادی، ۱۳۸۴: ۱۷).

علی‌اصغر حلبی نیز تقسیم‌بندی دیگری در این زمینه ارائه می‌دهد، به این گونه:

۱- تحقیر، ۲- تشبیه به حیوانات، ۳- قلب اشیاء و الفاظ، ۴- تحامق یا کودن‌نمایی، ۵- خراب کردن سمبل‌ها، ۶- ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول، ۷- تهکّم، نفرین و دشنام (ر.ک: حلبی، ۱۳۶۴: ۶۲-۸۶).

با این همه، به نظر می‌رسد که طنز ادبی در کُل، سه نوع دارد: طنز نمایشی، طنز روایی و طنز شعری. طنز نمایشی بیشتر با شگرد افراط، مانند بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی پیش می‌رود. استحاله مانند نشان دادن انسان به صورت حیوان و تقلید که ادا درآوردن باشد، از دیگر شگردهای این نوع طنزند. به‌علاوه، طنز روایی شامل دو قسم طنز موقعیتی و کلامی است. طنز موقعیتی به ایجاد فضای طنزآمیز، مانند قرار دادن اشیاء در غیر جای خود گفته می‌شود، حال آنکه طنز کلامی یا با تجاهل، مانند جواب سربالا پیش می‌رود، یا با تحامق؛ چنان که ضمن سخنان عقلاءالمجانین می‌بینیم، یا با تحریف که «نقیضه» نام دارد، یا با تغلیط، مانند کاربرد افعال جعلی، یا با تلفیق؛ چنان که ضمن تعریب می‌یابیم و یا با تهکّم که همان آبرونی است. علاوه بر این‌ها، طنز شعری همانا استفاده از آرایه‌های شعری، مانند جناس، تشبیه، استعاره، ایهام و از این قبیل، برای طنزآفرینی است. اکنون به ترتیب این انواع طنز را با زیرمجموعه‌های آن‌ها در آثار سید حسن حسینی واکاوی

1. Ironic Situation.

2. Irony.

می‌کنیم، با این توضیح که اولاً امکان آمیختگی این موارد وجود دارد و در به دست دادن نمونه‌ها، تنها به یک مورد توجه خواهیم داشت. ثانیاً چه بسا پاره‌ای از زیرمجموعه‌های سه دسته نامبرده طنز، در آثار حسینی هیچ نمونه‌ای نداشته باشند که از ذکر عنوان آن‌ها چشم می‌پوشیم. ثالثاً تنها به آوردن یکی دو نمونه از هر یک بسنده می‌کنیم.

۱.۱۰. ۱. طنز نمایی

۱.۱.۱۰. افراط

این روش شامل بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی است:

۱.۱.۱.۱۰. بزرگ‌نمایی

در مقابل شیوه کوچک‌نمایی، روش بزرگ‌نمایی قرار می‌گیرد که در شعر به آن «اغراق» می‌گویند، اما جنبه نمایی دارد و ممکن است از راه توصیف به روایت راه یابد: «طنزنویس خصیصه‌هایی را که می‌خواهد در طنزشونده با تأکید نشان دهد بزرگ‌تر از حد عادی جلوه می‌دهد، به حدی که باعث خنده می‌شود» (زارع، ۱۳۹۰: ۲۶). در این زمینه نوشته‌اند:

«هرچند بیان اغراق‌آمیز طنز موضوع را از واقعیت دور می‌کند، اما از عوامل مهم خنده‌دار کردن آن به شمار می‌آید و با ایجاد فضایی از اعجاب و شگفتی‌های خنده‌آور به خواننده کمک می‌کند تا از طریق تداعی معانی و کنجکاوی به واقعیت‌ها بیندیشد» (بهزادی اندوه‌جودی، ۱۳۷۸: ۹۸).

کاریکاتور نیز به همین صورت است؛ چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند: «کاریکاتور یعنی اغراق‌آمیز جلوه دادن خصوصیت‌هایی معین و مشخص به وجهی مسخره» (تامسون، ۱۳۸۳: ۶۰). حسینی از این روش، به‌ویژه در کتاب *برده‌ها بهره برده‌است*:

«شاعری دفتر خود را سوزاند

پای تا سر

بدنش تاول زد» (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷).

۱.۱.۱.۱۰. کوچک‌نمایی

در این شگرد، می‌توان کوچک کردن را با تحقیر یکی دانست و از آن با عنوان اغراق منفی نام برد:

«کوچک کردن یکی از عمده‌ترین تکنیک‌های طنزنویسی است؛ بدین معنی که نویسنده شخصی را که می‌خواهد مورد انتقاد قرار دهد، از تمام ظواهر فریبنده عاری می‌سازد و او را از هر لحاظ کوچک می‌کند. روشی که با این شیوه رابطه نزدیک دارد، یادآور این مطلب است که اغلب مقام و منزلت و یا مال و منال، بعضی از اشخاص را چنان فریفته می‌سازد که

فراموش می‌کنند آن‌ها نیز چون دیگران هستند. طنزنویس معمولاً می‌خواهد با پایین آوردن این گونه اشخاص پرمدعا به پایه‌ی دیگران، آن‌ها را متنبه سازد» (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۷).

– «هنرمند مصنوع مثل طوطی نیست. مثل طوطی پلاستیکی است» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴).

«مدح و لفاظی و ترفند و ریا حرفه‌ی شاعر مافنگی شد» (همان، ۱۳۹۳: ۶۱)

۲. ۱. ۱۰. استحاله

در این زمینه نوشته‌اند:

«تصویر حیوانی، ابزاری اساسی است در نمایاندن المثنای مرئی، کاریکاتور و کارت. این کار، یعنی مدد گرفتن از تصویر حیوانات در هجا و هزل، مقاصد جاه‌طلبانه‌ی انسان را که او به آن‌ها افتخار می‌کند، تحقیر می‌کند و از قدر و منزلت آن‌ها کاسته و ارزش راستین آن‌ها را نمایان می‌سازد» (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۸).

استفاده از دنیای حیوانات نوع دیگری از کوچک کردن است که طنزنویس از آن بهره می‌برد و به دو طریق انجام می‌گیرد:

«یکی اینکه نویسنده برای اینکه مورد بازخواست و مجازات قرار نگیرد، شخصیت‌های خود را از میان حیوانات انتخاب می‌کند، ولی در اساس، این انسان‌ها هستند که از زبان حیوانات حرف می‌زنند و طنزنویس فرصتی برای انتقاد از اجتماع پیدا می‌کند؛ مانند موش و گربه‌ی عبید زاکانی. دیگر اینکه طنزنویس مقایسه‌ای بین انسان و حیوان می‌کند و می‌خواهد نشان دهد که به‌رغم تمام فضایل و کمالات روحانی خود، باز موجودی است که غذا می‌خورد، تولیدمثل می‌کند، اشتباه می‌کند، دیگران را فریب می‌دهد و اگر دستش بیفتد، هزاران نفر از هم‌نوعان خود را می‌کشد و هزار کار دیگر می‌کند که طبع حیوان راضی به انجام آن نیست» (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۹).

منظور ما در اینجا، نوع اول است و نوع دوم، چیزی جز تشبیه نیست که ذیل مقوله‌ی خودش خواهد آمد.

«شاعری بی‌پروا

خلطی از سینه به دیوار مقابل انداخت

خرمگس‌های مناسب

به مصافش رفتند» (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۴).

۲. ۱. ۱۰. طنز روایی

۱. ۲. ۱. ۱۰. طنز موقعیتی

بهتر است این شگرد را شگردی تلفیقی به حساب آوریم؛ زیرا الفاظ به‌تنهایی طنزساز نیستند، بلکه به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌گیرند که موقعیتی طنزآمیز خلق شود (ر.ک؛

زارع، ۱۳۹۰: ۲۷). در این شگرد، «در واقع، طنزنویس با اغراق و مبالغه در سطح کلام، واژگون کردن حقیقت‌ها و چیدن موقعیت‌های متضاد و متناقض در کنار هم، اختلال در هنجار عادی کلام و نیز دادن شکل تمثیلی به وقایع و ترکیب زمان» (حسام‌پور، ۱۳۹۰: ۷۵)، موقعیت طنزآمیز را به وجود می‌آورد. این نوع طنز در ادبیات غیرنمایشی، عموماً با تشبیه و تمثیل می‌آمیزد. - «اخلاق، جاده هنر است و تکنیک، مرکب هنرمند. برخی با ماشین آخرین سیستم در جاده‌های سنگلاخ و مال‌رو می‌رانند و برخی سوار بر الاغ در اتوبان می‌تازند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۶).

«لطفاً از دیدنم بیرهیزید نگرانم من از نگاه شما
یوسف شعر ما مقنی شد به عزیزی رسید چاه شما»
(همان، ۱۳۹۳: ۷۱)

۱۰. ۲. ۲. ۱. ۱۰. طنز کلامی

طنز کلامی از راه قرار دادن اجزای نامناسب کلام کنار یکدیگر پدید می‌آید؛ مانند «جیره‌بندی کردن سگان» در نمونه زیر:

«پاچه شلوار شرم رفت از یاد عسس چون سگان هار را هم جیره‌بندی کرده‌اند!»
(حسینی، ۱۳۹۳: ۴۴)

الف. تجاهل

گاه حسینی روش سقراطی در پیش می‌گیرد و خود را نسبت به اتفاقات و حوادثی که رخ داده‌است، به تجاهل می‌زند و در این بین، نادرستی‌ها را گوشزد می‌کند. این تجاهل به معنای تحامق نیست، بلکه به این دلیل است که می‌خواهند انتقاد کنند و در عین حال، نمی‌خواهند به کسی یا چیزی بربخورد و به نوعی با این تجاهل بار مسئولیت خود را کمتر می‌کنند (ر.ک؛ زارع، ۱۳۹۰: ۹۰ و ۲۶۵).

«تذکرات معلم بهداشت را به یاد می‌آورند

و از راهنما در باغ وحش می‌پرسند

چرا شیرها و عقاب‌ها ناخن‌هایشان را نمی‌گیرند؟» (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

ب. تحریف

تحریف همان نقیضه است و نقیضه به مواردی می‌گویند که یک مطلب جدی را با تغییرات به صورت طنز درآورند؛ به عبارت روشن‌تر، روشی است که از روش دیگر تقلید و آن را مسخره می‌کند. تأثیر نقیضه تا حد زیادی به آشنایی مخاطب با اثر اصلی بستگی دارد (ر.ک؛ حری، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۹). اخوان ثالث در کتاب *نقیضه و نقیضه‌سازان*، نقیضه را به دو دسته جد و هزل تقسیم می‌کند و در تعریف نقیضه جد می‌گوید:

«در شعر به معنی نقض، شکستن، جواب مخالف جدّ، جدالی برای مقابله، نظیره‌گویی یا ردّ و تخطئه شعر شاعری دیگر و یا کلاً اثر ادبی و فکری دیگر، اعمّ از شعر و نثر، و برای تمییز و تفاوت بهتر است این را نقیضه جدّ بنامیم» (اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۲۹).
تنها نقیضه‌های حسینی در این سه کتاب، نمونه‌های زیر است که اولی نقیضه فرهنگ‌های لغت می‌نماید و دومی نقیضه یک مثل معروف:
- «بندتبنانی: شعری است که همه شاعران یقین دارند که شنیده‌اند، اما شک دارند که گفته باشند!» (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۶).

- «به عمل کار برآید، به سخنرانی نیست» (همان، ۱۳۸۳: ۴۲).

ج. تلفیق

این روش عبارت است از درهم‌آمیزی قواعد دو زبان که نوع فارسی-عربی آن را «تعریب» می‌گویند. تعریب «در لغت، الفاظ عجمی را عربی گردانیدن باشد و در اصطلاح عبارت از آن است که شاعر لغت فارسی را با ادوات لغت عرب امتزاج دهد و به طرز اشعار عربی مؤدی سازد» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۵۸). به این شگرد، «نقیضه ملمّع» نیز می‌گویند که در ادبیات فارسی قدمتی طولانی دارد و اولین نمونه‌های آن به قرن ششم هجری برمی‌گردد (ر.ک؛ موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

- «در وسط‌های سخنرانی عمرو

- که دم از روشنی و برق‌رسانی می‌زد-

برق سالن دَهَب، یعنی رفت

از میان حضار

زید پیری به تائی قام» (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۲).

«مگو: یَا لَیْتِنِی کُنْتُ صَمِیْمِی!» مدار شعر بر لَیْت و لعل نیست»

(همان، ۱۳۹۳: ۶۰)

د. تهکم

آیرونی در اصطلاح، به کار بردن منظم یک واژه به دو معنی است. این کلمه را فرهنگ‌ها به «استهزاء»، «طعنه» و «وارونه‌گویی» ترجمه می‌کنند. آیرونی به‌ویژه از قرن هیجدهم به بعد در ادبیات اروپایی معنای گسترده‌ای یافت و به طور کلی، به استفاده از کلمات با نیتی طنزآمیز گفته می‌شود که درست عکس آنچه را که بر زبان آمده، برسانند. مشکل بتوان برای آیرونی معادل دقیقی در فارسی پیدا کرد. سه اصطلاح «تجاهل‌العارف»، «کنایه» و «ایهام» بعضی از معانی گفته‌شده را به ذهن می‌آورند، اما چون جنبه طنزآمیز ندارند، گویا

نیستند، ولی آبرونی به استهزاء، تجاهل، گوشه، طعنه و نیش بیشتر می‌خورد. شاید بهتر باشد که معنی کلی آن را به «کنایه طنزآمیز» ترجمه کنیم (ر.ک؛ حلبی، ۱۳۷۷: ۸۸-۸۷ و جوادی، ۱۳۸۴: ۳۸). معنی دیگر آبرونی، وارونه‌گویی است و در این صورت، طنزپرداز درست عکس آنچه را می‌گوید، قصد می‌کند؛ یعنی خود را به تجاهل می‌زند و رندانه از آنچه مورد نقد و نفی اوست، به ایجاب سخن می‌گوید (ر.ک؛ باقریان، ۱۳۸۷: ۱۳۸). با آنچه گذشت، گویاترین معادل آبرونی، همان تهکم خواهد بود.

- «از کرامات یک هنرمند متوسط یکی این است که هرگز در آثارش کشف تازه‌ای نمی‌بینی» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰).

- «عارفان هم گاه‌گاه از پشت سر فی سبیل الله خنجر می‌زنند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۲)

۱۰. ۱. ۳. طنز شعری

طنز شعری را «بازی‌های زبانی-بیانی» خوانده‌اند:

«بازی‌های زبانی-بیانی، طیف گسترده‌ای از آرایه‌ها و صنایع ادبی هستند که در طنز و مطایبه به دلیل چندمعنایی بودن، کاربرد بسیاری دارند. مهم‌ترین این آرایه‌ها عبارتند از: جناس، ایهام، استخدام، کنایه، تجاهل‌العارف، مدح شبیه به ذم، ذم شبیه به مدح، تبادر، تلمیح، تضاد، تهکم، محتمل‌الضدین، ایهام و اسلوب‌الحکیم» (طالبیان و تسلیم چهرمی، ۱۳۸۸: ۲۳).

در میان طنزپردازان معاصر، حسینی تمایل بارزی به استفاده از این دست بازی‌ها برای طنزپردازی نشان داده‌است که نمونه‌های آن را می‌آوریم.

۱۰. ۳. ۱. جناس

«خانه‌ای از اساس ویران است دوستی‌های بر اساس نیاز» (حسینی، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۸)

۱۰. ۳. ۲. ایهام

- «برای اینکه همه مردم عالم لبخند آدم را ببینند، باید دهان دریده‌ای داشت!» (همان، ۱۳۸۶: ۵۸).
- «تاجری دسته‌گلی پرپر دید
یاد پروانه کسبش افتاد» (همان، ۱۳۸۳: ۲۲).

۱۰. ۳. ۳. تشبیه

منظور از تشبیه، انواع و اقسام تشبیه مانند تشبیه اضافی، تشبیه مفرد، تشبیه مرکب و تشبیه تمثیل است:

- «حسود، کرمی است که سرانجام زیر پای خودش له می‌شود» (همان، ۱۳۸۶: ۶۰).
- «و سکوت

جوراب پشت و رو شده صداهاست» (همان، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

۱۰. ۳. ۴. تشخیص

- «وجدان بعد از بازنشستگی، حقوق‌بگیر شیطان می‌شود» (همان، ۱۳۸۶: ۵۱).

۱۰. ۳. ۵. قلب مطلب یا طرد و عکس

- «تملق، رشوه معنوی است و رشوه، تملق مادی» (همان، ۱۳۸۶: ۶۰).

۱۰. ۳. ۶. تلمیح

- «شاعری بار امانت نتوانست کشید

تکیه بر بالشی از عرفان داد» (همان، ۱۳۸۳: ۳۷).

۱۰. ۳. ۷. تضاد

- «شاعری اشک نداشت

و لهدا خندید» (همان: ۳۴).

۱۰. ۳. ۸. مشاکله

- «هیچ عبادتی تکراری نیست، بعضی از عابدان تکراری‌اند» (همان، ۱۳۸۶: ۵۲).

۱۱. ۳. ۹. استعاره

- «در سینه بیشتر سران کشورهای عربی یک شهرک یهودی‌نشین می‌تپد» (همان: ۶۶).

۱۱. ۳. ۱۰. کنایه

«گاه در گودال چالم می‌کنند گاه بالاتر ز ماهم می‌برند
یا گذارندم به سر ناگه کلاه یا که ناغافل کلاهم می‌برند»
(همان، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۴)

۱۱. ۳. ۱۱. پارادوکس

- «روشنفکر در جهان سوم، یعنی کولری در زمستان و شوقاژی در تابستان» (همان، ۱۳۸۶: ۵۱).
«با سکوت محض کاری کن که در این روزگار بی‌صدایی گونه‌ای از کارهای صوتی است»
(همان، ۱۳۹۳: ۵۵)

۱۱. ۴. ۴. درونمایه‌های طنز سید حسن حسینی

از آنجا که سید حسن حسینی از شاعران انقلابی و متعهد است، این ویژگی در طنزهای او هم نمود یافته‌است، به گونه‌ای که درونمایه طنزهای وی را می‌توان به دو دسته کلی، «فرهنگ» با دو موضوع خاص تر هنر و شعر و «اجتماع» با دو موضوع خاص تر اقتصاد و

دین تقسیم‌بندی کرد و این چهار موضوع، خود موضوعات ریزتری را در بر می‌گیرند که در ادامه، به هر یک از این موارد اشاره می‌شود.

۱۱. ۴. ۱. فرهنگ

۱۱. ۴. ۱. ۱. هنر

الف. نقد هنر

- «منتقدی که در یک اثر هنری فقط عیوب آن را برمی‌شمارد، به تعداد خوبی‌های نگفته آن اثر، دروغ گفته‌است» (همان، ۱۳۸۶: ۲۲).

ب. مدعیان هنر

«تاجری سُرمی‌خورد

داخل اهل قلم بُرمی‌خورد» (همان، ۱۳۸۳: ۴۸).

ج. ایدئولوژی

«از یک دیدگاه واقع‌بینانه، هنرمندی که خدا را انکار می‌کند، مثل گیلهمردی است که منکر باران باشد» (همان، ۱۳۸۶: ۱۶).

د. استعداد هنری

«نقش مدرک در هنر، مثل نقش قندشکن در خیاطی است» (همان: ۲۰).

ه. اخلاق هنری

- «هنر بدون اخلاق یعنی چهارپایه‌ای با سه پایه» (همان: ۲۳).

د. تقلید هنری

«خواندن شعر خوب در جمعی که از ابتکار و ابداع بویی نبرده‌اند و یکسره بر تقلید می‌تند، مثل شمردن یک دسته اسکناس تا نخورده در میان جیب‌برهای حرفه‌ای است» (همان: ۳۷).

۱۱. ۴. ۲. شعر

الف. نقد شعر

- «شاعری که با منتقدان آثارش قهر کرده‌است، مثل هواپیمایی است که ارتباطش با برج مراقبت قطع شده باشد» (همان: ۳۵).

- «شاعری می‌لنگید

ناقدی نان می‌خورد» (همان، ۱۳۸۳: ۲۰).

ب. مدعیان شعر

«شعر می‌گویند مسئولان ما توی کفش شاعران پا رفته‌است»

(همان، ۱۳۹۳: ۵۶-۵۷)

ج. سرقت ادبی

– «فقط یک سارق ادبی این جسارت را دارد که لیست اشیائی را که به سرقت برده، در چندین و چند نسخه به چاپ برساند!» (همان: ۵۹).

د. شعر و سیاست

«شاعری شعر جهانی می‌گفت

هم بدان‌گونه که می‌افتد و دانی می‌گفت» (همان: ۴۴).

ه. تجارت با شعر

«شاعری وام گرفت

شعرش آرام گرفت!» (همان: ۲۱).

و. حواشی شعر

«شاعری که با زور شعر می‌گوید، مثل زنی است که با عمل سزارین یک کودک مرده به دنیا می‌آورد!» (همان، ۱۳۸۶: ۳۴).

۱۱. ۲. ۴. اجتماع

۱۱. ۲. ۴. اقتصاد

«تاجری گفت: اِهه!

و سپس رفت به باغ

روی گلبرگِ گلی نرخ گذاشت» (همان، ۱۳۸۳: ۴۵).

«بادسردی هم نصیب مردم مأیوس نیست آه بی‌مقدار را هم جیره‌بندی کرده‌اند»

(همان، ۱۳۹۳: ۴۴)

۱۱. ۲. ۲. ۴. دین

الف. مدعیان

«مؤمنان آیینۀ یکدیگرند لیک... اما... آه... خنجر می‌زنند»

(همان: ۵۲)

ب. آگاهی

«اگر یک مؤمن واقعی و باسواد باشی، خواندن کتاب‌های ماتریالیستی می‌تواند گوشه‌ای از تفریحات سالم

تو باشد» (همان، ۱۳۸۶: ۵۰).

۱۲. نتیجه

– ۳۱٪ از گزین‌گویه‌های کتاب براده‌ها، ۳۰٪ از اشعار نوشداروی طرح ژنریک و ۵۸٪ از اشعار فستیوال خنجر طنز نیستند، اما در بقیه آن‌ها، طنزهای جهت‌دار مؤثری می‌بینیم.

- طنزهای سید حسن حسینی، هم در گونه گزین گوئی، هم در گونه شعر کوتاه یا نسبتاً کوتاه نیمایی، هم در گونه شعر کلاسیک با قالب‌های دوبیتی، رباعی، قطعه، غزل و هم در گونه شعر سپید پدید آمده‌اند.

- در میان طنزهای حسینی، از شگردهای نمایشی طنزپردازی، اغراق با ۶/۵٪ بیشترین حجم را به‌ویژه در کتاب *براده‌ها* به خود اختصاص داده‌است.

- از بین طنزهای روایی، طنز موقعیتی با ۱۷/۷۵٪ بالاترین شگرد در طنزپردازی حسینی است و بعد از آن، طنز کلامی با ۱۰/۷۵٪ و زیرمجموعه‌اش، آیرونی (تهکّم) با ۷/۲۵٪ بیشترین شگرد طنزانه را در اشعار او تشکیل داده‌اند.

- در میان طنزهای شعری، به ترتیب تشبیه با ۸/۲۵٪، استعاره با ۷/۷۵٪ و ایهام با ۵/۷۵٪ از پرکاربردترین آرایه‌های مورد استفاده وی بوده‌است.

- چون حسینی شاعری انقلابی است، درونمایه اشعارش در دو دسته کلی «فرهنگ» و «اجتماع» جای می‌گیرد که فرهنگ به دو دسته عمده «هنر» و «شعر» و نیز اجتماع به دو دسته کلی «اقتصاد» و «دین» تقسیم می‌شوند و هر کدام زیرمجموعه‌های گوناگونی دارند.

منابع

اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۴)، *تفیضه و تفیضه‌سازان*، به کوشش ولی‌الله درودیان، ۱، تهران، زمستان. باقریان بستان‌آباد، الهام، (۱۳۸۷)، «طنز در شعر معاصر»، *فصلنامه ادبیات فارسی*، س ۴، ش ۱۲، صص ۱۲۷-۱۴۴.

بهزادی آندوه‌جودی، حسین، (۱۳۷۸)، *طنز و طنزپردازی در ایران (پژوهشی در ادبیات اجتماعی، سیاسی، انتقادی، علل روانی و اجتماعی)*، تهران، صدوق.

پلارد، آرتور، (۱۳۷۸)، *طنز*، ترجمه سعید سعیدپور، تهران، مرکز.

تامسون، فیلیپ جان، (۱۳۸۳)، *گروتسک در ادبیات*، ترجمه غلامرضا امامی، شیراز، نوید شیراز.

جوادی، حسن، (۱۳۸۴)، *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*، تهران، کاروان.

حرّی، ابوالفضل، (۱۳۹۰)، *درباره طنز (رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی)*، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.

حسام‌پور، سعید و دیگران، (۱۳۹۰)، «بررسی تکنیک‌های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی»، *مطالعات ادبیات کودک*، س ۲، ش ۱، صص ۶۱-۱۱۴.

حسینی، سید حسن، (۱۳۹۳)، *فستیوال خنجر (مجموعه اشعار طنز سید حسن حسینی)*، به کوشش اسماعیل امینی، چ ۱، تهران، سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).

_____، (۱۳۸۶)، *براده‌ها (گزیده آثار)*، تهران، سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).

_____، (۱۳۸۳)، *نوشته‌اروی طرح ژنریک*، تهران، سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).

- حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۷)، *طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام*، تهران، بهبهانی.
- _____، (۱۳۶۴)، *مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران*، تهران، پیک.
- زارع بنادکوک، نجمه، (۱۳۹۰)، «بررسی طنزهای «دو کلمه حرف حساب» کیومرث صابری فومنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، تهران، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.
- شهسواری، عباس، (۱۳۸۹)، «بررسی موقعیت طنز در دهه نخست انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سبزوار، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- طالبیان، یحیی و فاطمه تسلیم‌چهرمی، (۱۳۸۸)، «ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در کاریکلماتور (با تکیه بر کاریکلماتورهای پرویز شاپور)»، *فنون ادبی*، س ۱، ش ۱، صص ۱۳-۴۰.
- فولادی، علیرضا، (۱۳۹۵)، «طنز در ادبیات انقلاب اسلامی»، *ادبیات انقلاب اسلامی*، زیر نظر محمدرضا ترکی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص ۲۵۷-۲۸۰.
- موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۸۰)، *دگرخند (درآمدی کوتاه بر طنز و هزل و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر)*، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نبوی، سید ابراهیم، (۱۳۷۸)، *کاوشی در طنز ایران*، تهران، جامعه ایرانیان.
- واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین، (۱۳۶۹)، *بدایع الأفکار فی صنایع الأشعار*، تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، چ ۱، تهران، مرکز.
- هنرجو، حمید، (۱۳۹۲)، *سید شاعران انقلاب اسلامی (نگاهی به اندیشه‌ها و آثار سید حسن حسینی)*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.